دوفصلنامه علمی ـ تخصصی مطالعات تطبیقی کلام
سال یاز دهم/ شماره ۱۷ بهار و تابستان ۱۴۰۰

Tow quaterly scientific – specified Comparative studies of theology
Year 11 No.17, Spring & Summer 2021

نقد و بررسی مبانی زیارت از دیدگاه جریان دیوبندیه

□ علیرضا محمدی *

چکیده

یکی از اصول مهم دینی مسلمانان توحید است. یکی از فروع آن؛ توحید عبادی است. وهابیت به‌عنوان یک جریان انحرافی از اسلام با علم کردن مسئله توحید و تفسیران (مجلسی)حصاری جاهلانه، به بسیاری از مسلمانان نسبت شرک می‌دهند. یکی از بارزترین مسائلی که دستاویز این جریان بوده و آن را در تعارض با توحید عبادی می‌دانند «زیارت» است. حال سؤال این است که آیا مشرک دانستند، زائر قبر انبیاء و اولیاء، تکریم قبور و قبه‌ها را در بین سایر فرق اسلامی عمومیت دارد یا تنها منحصر به وهابیت است؟ اکثر فرق اسلامی، زیارت قبر انبیاء و اولیاء الهی، توسل تکریم قبور و قبه‌ها را قبول داشته و به آن توصیه نموده‌اند. ازجمله این فرق، دیوبندیه است. دیوبندی ها ضمن برائت از عقاید وهابیون؛ زیارت قبر سیدالمرسلین را از بزرگترین موجب قرب الهی و از مهمترین مستحبّات و برای رسیدن به درجات عالیه می دانند، بلکه این عمل را قریب به وجوب دانسته اند، اهمیت کلی این نوشتار اینست که تلاش وهابیت برای تعمیم افکار و عقاید باطل خود بر کل اهل سنت یک ادعای بی مورد و باطل است.

کلید واژه: زیارت؛ قبور، انبیاء و اولیاء؛ دیوبندیه

---

* فارغ التحصیل مجمتع آموزش عالی فقه.

مقدمه

زیارت انبیاء و اولیاء خدا، یکی از عبادات مهم و بسیار مؤکد شریعت اسلام است و از سنّت های حسنه به شمار می رود. رفتن به زیارت قبور خویشان و نزدیکان و دوستان و آشنایان، یک امر عقلایی است و اقوام و ملل از دیرباز، این کار را انجام داده اند و در اسلام نیز ممنوع نشده و حتی چنانکه خواهیم دید، پیامبر خدا به زیارت قبور امر کرده است و بدیهی است که امر رسول خدا حداقل بر استحباب آن دلالت دارد.

امام صادق (ع) می فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يَكْتُبِ اَللَّهُ لَهُ ثَوَابَ زِيَارَتِنَا »؛(صدوق:۲۲۳/۱) و هرکس متمکّن از زیارت ما نیست پس شایستگان از دوستان ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما در نامهٔ عملش ثبت خواهد شد. بنابراین زیارت پیامبر اعظم(ص) و اولیاء خداوند یکی از عبادات شرعی و بسیار مؤکد شریعت اسلام است و از سنّت های حسنه به شمار می رود.

وهابیان که فتاوا و عقاید نادر آنها مشهور است، در این مورد فتوایی خلاف نظر اسلام صادر کرده اند که از ابعاد غلط فقهی آن نمی توان غافل شد. بر اساس دیدگاه آنها، بار سفر بستن و شدّ رِحال به قصد زیارت مضجع نورانی نبی اعظم(ص) حرام است و از مصادیق سفر معصیت به شمار می آید که مسافر باید نماز خود را در آن تمام بخواند.

بسیاری از مسلمانان و از جمله بیشتر دیوبندیان از زیارت اولیای الهی و شفیع قرار دادن آنها نزد خداوند تعالی دفاع کرده و به شبهات وارد شده نیز پاسخ داده اند.

بنابراین در این تحقیق تلاش می شود،تا این مسئله را روشن بیان نموده وکوشش میکند تا مبانی زیارت را با مراجعه به آثار کلامی محققان وعالمان دینی دیوبندیه مورد بررسی قرارگیرد. نهایتا با تمسک به منابع اصلی دین یعنی قرآن که مورد تمسک همه مسلمانان است ونیز روایات مشترک مورد تایید،هردو به داوری پرداخته می¬شود.

مفهوم شناسی

۱ ۱- مبانی

مبانی جمع «مبنا» است که در لغت به معانی چندی از جمله بنیاد، اساس، شالوده و پایه آمده

اســت.(دهخدا، ۱۳۳٤: ۱/۱۲(ع)(ع)٥(ص)) و (معــین، ۱۳٥۱: ۳/۳(ع)(ع)(ع))،مبــانی در اصطلاح به معنای ادله به کار می‌رود و به این اعتبار که زیر بنا و پشتوانه اثبات علمی یـک مسـئله هستند و اگر دلیل های یک مطلب علمی باطل شوند، صورت طبیعی آن مسئله علمـی هـم فـرو می ریزد. در کلمات اندیشمندان گاهی مبنا به معنای دلیل هم بـه کـار رفتـه اسـت.(امام خمینـی ره:۲۰۱/۱)

۲ ۲- زیارت

۲/۱. زیارت در لغت

لغت‌شناسان این واژه را از سه ریشه گرفته‌اند:

۱ ـ زَوَر (به فتح «ز» و «واو») به معنی میل، انحراف، کجی و عدول از چیزی، یا میل در وسـط سینه، بالا و وسطِ سینه. زُرتُ فُلاَناً؛ او را زیارت کـردم یعنـی بـا سـینهٔ خـود، (از روبـه‌رو) وی را ملاقات کردم (فراهیدی:(ع)/۳(ع)(ص) ؛ ابن منظور:۳۳٤/٤) در قرآن کریم به همین معنی آمده است «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَاوَرُ عَن كَهْفِهِـمْ... ذَاتَ الشِّـمَالِ»؛(کهـف:۱(ع)) خورشـید را می‌دیدی که به هنگام طلوع به غارشان متمایل می‌گردد.

۲ ـ زَور به فتح «ز» و سکونِ «واو» که بمعنی دیدن کردن، ملاقات کردن، سَر زدن، دیدار کردن (از جـایی). زُرْتُ فُلاَنـاً: تَلَقَّيتُـهُ. بـه معنـای ملاقـات، زیـارت و دیـدار آمـده است.(اصـفهانی، راغب:۳۸٦؛ طریحی:۳۱/۳(ص))

۳ ـ زُور (به ضمِّ «ز»): به معنی سخن کـذب و شـهادت باطـل اسـت، از آن روی کـه باعـث انحراف از راه حق می‌گردد. در قرآن کریم بیان کرده است «ظُلْمًا وَزُورًا»(فرقان : ٤)، ظلـم و دروغ بزرگی؛ بنابراین، گفتار ظالمانه، زور است، زیرا از جهت راست عـدول کـرده اسـت و از حقیقـت دور و منحرف شـده اسـت. (فراهیـدی: (ع)/ ۳۸۰ ؛ راغـب اصـفهانی: ۳۸(ع)؛ ابن‌منظـور: ٤/ ۳۳٤؛ طریحی:۳/ ۳۱(ص))

بنابراین، معنای اصلی واژهٔ «زیارت» بر اساس ریشهٔ اوّل و دوم آن، دیدار از کسـی یـا چیـزی و عدول از سایرین است و قصد و توجّه به او، خواه آن شخص زنده باشد یا از دنیـا رفتـه باشـد و یـا حتّی مکان مقدّسی باشد. با بررسي و دقّت در این معاني به نظر مي‌رسد که اصل واحد در معاني گوناگون «زور» مطلـق تمایـل اسـت و معـاني دیگـر، از معـاني فرعـي و مصـادیق آن محسـوب

مي‌شود.

۲/۲ ۳ .زیارت در اصطلاح

زیارت در اصطلاح عملی عبادی است به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان دینی یا اشـخاص محترم یا نزد قبور آنان یا دیدار از مکانی مقدس یا محترم برای اظهار ارادت و کسب فیض معنـوی یا ادای احترام. زیارت دو سوی دارد که یک سوی آن شخص مؤمن است. سوی دیگر لازم نیست که انسـان باشـد و بـدین رو دیـدار کعبـه را نیـز زیـارت گوینـد. همچنـین لازم نیسـت شـخص زیارت‌شونده، زنده و در دنیا باشد. بدین ترتیب زیـارت قبـور مـؤمنین نیـز در ایـن تعریـف جـای می‌گیرد؛

چنان که «طریحي» بدان تصریح کرده‌اند: «الزّیارةُ فِي الْعُرفِ قَصْدُ الَمزُورِ إِکْرَاماً لَهُ و اسْتِئنَاساً بِهِ» (طریحی،:۳۲۰/۳)؛ زیارت در اصطلاح به تمایلی می گویند کـه افـزون بـر میـل و حرکـت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مذور و زیارت شونده با اکرام و تعظیم قلبـی و انس روحی همراه باشد.

در معنای اصطلاحی، به هر دیداری زیارت نمی¬گویند؛ بلکه به¬دیداری زیارت می¬گوینـد که همراه با تمایل، کشش، قصد و برای اکرام و ایجاد انس انجام شـده باشـد. بـا دقـت در معنـای لغوی و اصطلاحی زیارت به این نتیجه می¬رسیم که زیارت به این معنا است که انسان، با قصـد و توجه به¬دیدار دیگری برود و مقصود او از این دیدار، اکرام، احتـرام و انـس بـا او باشـد؛ خـواه کسی که انسان به زیارت او می¬رود زنده، یا از دنیا رفته باشد.

۳- دیوبندیه

کلمه«دیوبندیه»برگرفته از شهر کوچک در هندوستان که او را به هندی دئوبنـد (Deoband) و به اردو دیوبند (Devband) می گویند. دبویند در نود مایلی شمال شرقی دهلی از توابع ایالـت «اوتراپرادش» هندوستان موقعیت دارد،مرکز آن شهر تاریخی لکنهو است و حدود پنجاه و پـنج در صد جمعیت آن مسلمان است .

«دیوبندیه» منسوب به مدرسه دارالعلوم دیوبند است که شیخ محمّد قاسم نانوتوی با همکـاری شیخ رشید احمد کنگوهی و شیخ محمّد یعقوب نانوتوی با انگیـزه مبـارزه بـا سـلطه انگلـیس در

شـهر دیوبنـد، مدرسـه علمیـه دارالعلـوم را در سـال ۱۲۸۳ هــ ق، تأسـیس کردنـد (طالـب الرحمن:(ع)) درگذر زمان با گسترش آن شهرت جهـانی یافـت، بـه طـوری کـه بـه الازهـر هنـد معروف شد و بسیاری از علمای معاصر اهل سـنت در شـبه قـاره هنـد و افغانسـتان و سیسـتان و بلوچستان ایران و برخی دیگر از کشورهای اسلامی تربیت یافته و آموزش دیده این مـدارس دینـی هستند.(اسعدی قاسمی:۸(ص))

دیوبندیه از زمان تأسیس تاکنون، تعداد زیاد مدرسهٔ مذهبی در کشورهایی چون: هند، پاکسـتان و همچنین افغانستان تأسیس کرده است.تاکنون بیش از هزاران نفـر در مدرسـه دارالعلـوم دیوبنـد آموزش دیده‌اند و عقاید آنها را در میان صدها هزار دانش‌آموز این مدارس رواج داده‌اند.

جنبش دیوبندی به هدف حرکت ضد استعماری در برابر سلطهٔ استعماری انگلستان پـا گرفتـه بود، در دوران جدایی پاکستان از هندوستان در قـرن اخیـر، رنـگ رادیکـال‌تری بـه خـود گرفـت؛ چنان‌که امروز تبلیغات خود را با شعار جهـاد همـراه سـاخته اسـت. دانش‌آموختگـان دارالعلـوم، وظیفه دارند که تعلیمات خود را نه تنها در هند و پاکستان- که قلمرو اصلی نفوذ آنهاسـت- بلکـه در سراسر جهان گسترش دهند.

دیوبندیان،شاخه ای از اهل سنت و جماعت است وهمان‌طور که در فقه پیـرو مـذهب حنفـی هستند،درکلام نیز از افکار ابو منصور ماتریدی پیروی می کنند. از نظر فکری به شاه ولی الله وملا محمد قاسـم نـانوتوی (متوفـای ۱۲(ص) (ع) ه.ق.)،مؤسـس دارالعلـوم دیوبند،متأثرند.(نـدوی رحمت،اشرف تهانوی:۳)

عبدالرشید ارشد،یکی مشایخ دیوبندیه بیان می کند: مسـلک دارالعلـوم دیوبنـد اهـل سـنت و الجماعت میباشد که بنیادش بر قرآن، سنت، اجماع و قیاس قائم شده است،ایشان دیناً مسـلمان، فرقه اهل سنت والجماعت، مذهباً حنفی مشرباً صوفی، کلاماً اشعری سلوکاً چشتی، بلکه جـامع الاسلاسل، فکراً اللهی، اصولاً قاسمی، فروعا رشیدی و نسبتاً دیوبنـدی هسـتند. (ارشـد، مولانـا عبدالرشید:/١٤)

به نظر نانوتوی، اختلافی بین ابوالحسن اشعری و ابومنصور ماتریدی در مسائل کلامـی وجـود ندارد و اختلافات این دو عالم در مسئله «ایمان، حسن و قـبح؛ قـدرت انسـان» و برخـی مسـائل دیگر تماماً صوری است. قاری محمد طیب، مدیر دارالعلوم، در ایـن بـاره مـی‌نویسـد: در عـرف علمای دیوبند این‌گونه مشهور است که ماتریدی هستند، اما جماعتی در بین آنـان موجـود اسـت که به دلایلی خود را اشعری می‌دانند، اما احسن وجه این است که علمای دیوبند را ماتریدی مایل

به اشعری حساب آورد و اختلافات بین اشعری و ماتریدی همگی اختلافات صوری هستند. این شیوه توفیق بین مذهب اشعری و ماتریدی را دیوبندیان از شیخ نانوتوی اخذ کرده‌اند. (قاسمی، محمد طیب: ۲۳۰).

آرای فکری شاه ولی الله معیار اصلی دیوبندیه در فهم؛ نشر و تعلیم کتاب و سنت است. و دهلوی را نزدیکترین فرد به صحابه برای دریافت مسائل دینی می دانند.

هم چنین در اصول فقه، بیشتر تابع دیدگاهای شیخ محمد قاسم نانوتوی مؤسس دار العلوم دیوبندیه و در فروغ فقهی نیز، از کنگوهی تقلید می کنند. (ابواسامه، طالب الرحمن: ٢٤)

درسیر و سلوک به گرایش های گوناگون تصوف نقشبندی، چشتی، قادری و سهرودی وابسته اند. سهارنبوپوری بیان می کند: «ما و مشایخ ما در فروع، مقلید ابو حنیفه، در عقاید و اصول پیرو اشعری و ماترید ی و در طریقت منتسب به طُرق صوفیه (نقشبدیه و چشتیه و قادریه و سهرودیه) هستند». (سهارنپوری، خلیل احمد: ۲(ص))

دیوبندیان به دلیل پیروی از مکتب عقل گرایی ماتریدی و نص گرایی اشعری و همن طور التزام به کشف و شهود و صوفیان منابع معرفتی متنوعی دارند قاسمی تأکید می کند که علمای دیوبند به منبع معرفتی خاص متمرکز نیستند، بلکه به فقه، اصول، کلام، حدیث و تصوف یک سان توجه دارند. (قاسمی، محمد طیب: ۲۳۳).

خاستگاه فکری و اعتقادی دیوبندی را به چهار رکن، هفت شاخه و چندین زیر مجموعه تقسیم می‌کند؛ عبارتند از ۱. ایمان، ۲. اسلام، ۳ . احسان و ۴ .کلمة الله که به مثابه چهار نهرند ؛ ایمان واحسان نهرهای باطنی و اسلام و اعلای کلمه الله نهرهای ظاهری اند. از این نهر های چهارگانه هفت شاخه سیراب می‌شود ۱. علم به شریعت، ۲. عقیده ماتریدیه و اشعریه، ۳. تقلیدی فقهی، ٤. پیروی طریقت (تصوف) ، ٥.مبارزه با گمراهی، ۶ .جماعت و جامعیت (یعنی اعتقاد و جامعیت دین از هر جهت)،(ع). اتباع سنت. (قاسمی،احمد طیب: ترجمه ؛ درکانی نجم الدین محمد:/٢٤٦)

علم به شریعت که اساس وحی الهی و ستون اول دین است دارای چهار حجّت شرعی است:۱. کتاب الله؛ ۲. سنت رسول الله (قول؛ فعل ؛ تقریر و اثر پیامبر)؛ ٥. اجتهاد که علمای دین از راه علم به شریعت انجام می دهند؛ ۳ . اجماع امت؛ ٤. قیاس مجتهد، يعني حكم واقعه اي را كه نص در مورد آن وارد نشده را از حكم واقعه اي كه درباره آن نص وارد شده به این خاطر که هر دو واقعه شبیه هم هستند، استنباط کنیم.

مبانی اجتهاد نیز عبارت اند: ۱. توجه به دیدگاه سلف، ۲. وارد نشدن در متشابهات تا حد امکان و واگذاری فهم آنها به خداوند؛ ۳. عمل به محکمات بر اساس سنت غالب معروف نزد عامه صحابه .

در تقلید فقهی، به تخطئه مجتهد معتقدند یعنی مجتهد را در اجتهاد خود مصیب نمی‌دانند که به هر نتیجه ای دست یافت همان حکم خدا بشود، به عقیده آنان مجتهد ممکن است گاه خطا نیز بکند منتهی «للمصیب اجران و للمخطئ اجر واحد». هم چنین حدیث از پیامبر (ص) نیز به همین معنا وارد شده است :«اذا حکم الحاکم فاجتهد و اصابه فله اجران و اذا حکم فاجتهد و اخطأ فله اجر واحد». (بخاری صحیح: ٢٥٤)

مرادشان از سنت هر آن چیزی است که منتسب به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد جماعت نیز، به معنای لزوم احترام گذاشتن و تمام موضوعاتی است که از صحابه و تابعین و ائمه مذاهب و علما بدست آمده و منتسب به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است از این رو احترام و تمام این افراد و طبقات را نیز لازم می دانند.(قاسمی، محمد طیب: ۱۸۱)

مبانی دیوبندیه درباره زیارت

زیارت یکی از راه های بسیار مؤثّر و مفید در برقراری ارتباط معنوی و قلبی و دینی با سرچشمهٔ حضرت حقّ است، اگر برای حضور در مشاهد شریفه و بقاع متبرّکهٔ انبیا و اولیا، راه می پیماییم و هنگام حضور در مزار پاک آنان متنی را به عنوان زیارت نامه قرائت می کنیم، همه و همه برای تکمیل مراتب توحید و تقویت ایمان و یکتاپرستی و تقرب جستن به حق تبارک و تعالی است. زیارت، عملی مستحب است که مشروعیت آن توسط ادله شرعیه به اثبات می رسد، مبانی اسلامی بر آن تأکید زیادی دارد، البته مبانی توسل با مبانی زیارت یکسان است تفاوت با هم ندارند، لذا به خاطر جلو گیری از تکرار آن دراین قسمت بطور خلاصه اشاره به آن خواهم نمود.

جریان دیوبندیه به مبانی گوناگونی برای اثبات مشروعیت و استحباب زیارت استناد کرده اند؛ و آن مبانی عبارت اند از: آیات قرآن؛ روایات و اموات در علم برزخ حیات دارد و صداها را می شنوند و جواب سلام می دهند، از طرف دیگر سیره عملی پیامبر اسلام و پیشوایان و بزرگان دین، براین منوال بوده اند که به زیارت قبور شهداء می رفتند، هم چنین اجماع علماء و التزام علمی

دیوبندیان به زیارت، از مبانی آنان به حساب می آید که در ذیل به آن پرداخته میشود.

۱- مبانی قرآنی

مهم ترین آیه ای که دیوبندیان برای زیارت مورد استفاده قرار داده است آیه شریفه: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»اگر هنگامی که آنان (گروه منافق) بر خود ستم کردند به تو رجوع می‌کردند و از کردار خود به خدا توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می‌کردی و از خدا آمرزش می‌خواستی، در این حال البته خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.(نساء: ٦٤) تهانوی یک از علمایی دیوبندیه به این آیه استدلال کرده و گفته است که طبق احادیث صحیح و اعتراف متکلمان پیامبر(ص) پس از وفات زنده است. تهانوی به این مطلب اشاره می‌کند: «پس سزاوار است برکسانی که برخود ظلم کرده اند قبر نبی را زیارت نموده و از خداوند طلب استغفار نمایند تا رسول خدا نیز برای آنها استغفار نماید»؛(عثمانی ظفر احمد، تحقیق محمد تقی عثمانی:٤/١٠(ص) ٨)

مناظر احسن گیلانی یکی دیگر از علمای دیوبند، در کتاب «حضور حرم نبوی» برای دفاع از جواز زیارت در تفسیر این آیه مبارکه قبل و همچنین آیه مبارکه: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (انعام: ٥٤)، هرگاه آنان که به آیات ما می‌گروند نزد تو آیند بگو: سلام بر شما باد.

گفته است «رفتن به حضور پیامبر محدود به زمان خاص و همین طور زمان پیش از رحلت آن حضرت نیست بلکه آیه عمومیت داردو تمام زمان ها، از جمله پس از رحلت آن حضرت را نیز در بر می گیرد»،(گیلانی مناظر احسن،در باره نبوت کی حاضر: ۳۸) بنابراین، نوع رفتار مردم با آن حضرت، در هر دو حالت باید یک سان باشد، همان طوریکه در حیات دنیوی، به زیارت پیامبر اکرم (ص) می رفتند و در حیات آخروی هم باید به زیارت آن حضرت بروند.

۲- مبانی روایی

علمای دیوبند، روایات زیادی را، در باره مشروعیت زیارت قبور به طور عموم و اهمیت آثار و فواید زیارت حرم پیامبر (ص) بیان کرده اند. از جمله آن روایات:«هرکس توان زیارت مرا داشته باشد و به زیارتم نیاید برمن جفا نموده است»؛ (دهلوی عبدالحق، الاعمال المأثورة فی

الایام المشهورة: ۱۵۲) و «هر کس با داشتن توان به زیارتم نیاید هیچ عذری نزد خداوند ندارد»؛(همان) «هرکس به زیازتم بیایدو هدفی جز زیارت نداشته باشد. حتما او را در روز قیامت شفاعت خواهم نمود»؛ «هرکس قبر من را زیارت نماید شفاعت من حتمی خواهد بود» (همان) و عبدالحق دهلوی در ادامه این احادیث می گویند«پس از انجام فرایض هیچ عبادتی برتر از زیارت قبر رسول خدا نیست»؛(همان).

همچنین به روایت های نبوی استناد نموده اند:

«هرکس به زیارت قبر من بیاید حتما مورد شفاعت من قرار خواهد گرفت؛ کسی که به زیارت من بیاید و هدفی جز زیارت من نداشته باشد، بر من لازم است که حتما او را در روز قیامت شفاعت کنم» ؛ (عثمانی، احمد، اعلاء السنن، تحقیق محمد تقی عثمانی: ۸/ ٤(ص) ۸-۵۰۰) ؛«هرکس به سفر حج بیاید و قبرمرا پس از وفاتم زیارت نماید، مثل آن است که مرا در حال حیاتم زیارت کرده باشد»(همان)«هرکس متعمداً (با قصد و نیت) به زیارت من بیاید، از هم نشینان من در قیامت خواهد بود؛ هرکس به قصد زیارت من به مدینه بیاید، شفاعت من برای او واجب می گردد؛ هرکس در حرم مکه و مدینه بمیرد، با آرامش معبوث می گردد؛ (همان؛ ۵۰٤/۱۰) هرکس به حج مشرف گردد، ولی مرا زیارت نکند، بر من جفا نموده است» (تهانوی، اشرف علی، الرد علی الاعتراض علی السفر لزیارة قبر النبی (ص) الداعی، سال سی و یکم، شماره (ع)، رجب ۱٤۲۸. ق.).

هم چنین در منابع دیوبندیه احادیث زیاد وجود دارد که به آن استناد شده است، ظفر احمد عثمانی که شاگرد اشرف علی تهانوی است کتاب به اسم «إعلاء السنن» تألیف نموده است که درواقع تقریرات درس استادش تهانوی است. در جلد هشتم و دهم این کتاب ذیل «باب استحباب زیارت القبور عموماً و زیارت قبر النبی خصوصاً و ما یقرأ فیها» و «إبواب الزیارت النبویة؛ باب زیارت قبر النبی الکریم قبل الحج او بعده» احادیث فراوانی درباره فضیلت و استحباب زیارت به طور عموم نقل شده است که تهانوی بیشتر آنها را صحیح می‌دانند، ازجمله:

«کُنْتُ نَهَیْتُکُمْ عَنْ زِیارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوا، نَهَیْتُکُمْ عَنْ زِیارَةِ الْقُبُورِ فَمَن أرادَ أن یزور فَلیزر، وَلا تَقولوا هجرا؛ فَزورالقُبُورِ، فَانها تُذَکرکُم المَوت؛ و نَهَیْتُکُمْ عَنْ زِیارَةِ الْقُبُورِ، فزوروها؛ فَإِنَّها تُزَهِّدُ فِي الدُّنْیا وَتُذَکِّرُ الآخِرَةَ»؛ پیش از این من شما را از زیارت قبور نهی می کردم، اما هم اکنون سفارش می کنم که اهل قبور را زیارت کنید؛...هرکه پس از این بخواهدبه زیارت برود، مانعی ندارد، منتها از سخن بیهوده بپرهیزند؛ به زیارت قبور بروید، زیرا این کار شما را به یاد مرگ می اندازد؛ به

زیارت قبور بروید، زیرا این کار باعث زهد در دنیا و یادآوری آخرت می گردد.

همچنین به روایت های پیامبر گرامی اسلام (ص) استناد شده است: هرکس به زیارت قبر من بیاید حتما مورد شفاعت من قرار خواهد گرفت؛ کسی که به زیارت من بیاید و هدفی جز زیارت من نداشته باشد، بر من لازم است که حتما او را در روز قیامت شفاعت کنم.(همان:۱۰/ ٤(ص)(ع) /۵۰۰).

هرکس به سفر حج بیاید و قبرمرا پس از وفاتم زیارت نماید، مثل آن است که مرا در حال حیاتم زیارت کرده باشد؛ هرکس متعمداً (با قصد و نیت) به زیارت من بیاید، از هم نشینان من در قیامت خواهد بود؛ هرکس به قصد زیارت من به مدینه بیاید، شفاعت من برای او واجب می گردد؛ هرکس در حرم مکه و مدینه بمیرد، با آرامش معبوث می گردد؛ هرکس به حج مشرف گردد، ولی مرا زیارت نکند، بر من جفا نموده است. (همان)

تهانوی در جواب کسانی که احادیث جواز زیارت را در حال حیات پیامبر (ص) معنا کرده اند، ادامه روایت را ذکر کرده می نویسد: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّما زارَني في حَياتي»؛ هرکس پس از رحلتم مرا زیارت کند، مثل آن است که در حال حیاتم مرا زیازت کرده باشد. بیان می کن که این حدیث تصریح می‌کند که زیارت پیامبر مطلقاً «درحال حیات وپس ازآن» جایز است.

ظفر احمد عثمانی دیدگاه تهانوی را تأیید می‌کند که قائل است که این روایات قابل‌اعتماد و صحیحه است. وی پس از نقدوبررسی سند حدیث وجوب شفاعت برای زائر حرم نبوی می‌نویسد: حدیث دارای سند صحیح است و هنگام احتجاج صلاحیت اعتماد را دارد و در فرض قطعی بودن آنها تردید شود، احادیث حداقل حسن به شمار می آیند. در ادامه بیان می‌کند حدیث«مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّما زارَني في حَياتي»؛ بزرگ ترین دلیل برفضلیت زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام است و چه فضلیتی برتر و ارزشمند تر از اینکه شفاعت آن حضرت برای زائران قبر آن حضرت واجب می‌گردد.عثمانی در تأیید این سخنان، اقوال بسیاری از علمای اهل سنت را، از قدیم و جدید درباره ضرورت زیارت بیان کرده است.(همان:٤(ص) (ع))

از شوکانی نقل می‌کنند:«جمهور علما زیارت را مستحب می‌دانند، بعضی از مالکیه و ظاهریه حکم به وجوب آن کرده اند و حنیفان آن را قریب به واجب دانسته اند، این تیمیه و به تبع او برخی حنابله آن را غیر مشروع تلقی کرده اند».

در ادامه بیان می‌کند :«عمده دلیل آنهایی که قایل به وجوب زیارت شده اند، استدلال به حدیث، «مَنْ حَجَّ وَ لَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» است و گفته اند جفا بر نبی حرام است، پس زیارت

واجب می گردد. ولی پاسخ داده شده است که جفا بر ترک امر مستحب نیز صادق است» (همان: ٤(ص) (ص))

خلیل احمد، سهارنپوری اصل جواز زیارت را اصل مسلم می داند، می گوید : روایات بسیاری را درباره پیامبر (ص) که «هیچ کسی برمن سلام نمی‌کند، جزآنکه خداوند سلام او را به من رسانده و من پاسخ آن را می دهم». (ابو داود، سلیمانی: ٥، /٤١(ع)) او در ادامه تأکید می‌کند: «ظاهرحدیث دلالت دارد که مراد سلام نزد قبر آن حضرت، هنگام حضور برای زیارت است که پیامبر با علیک السلام آن را پاسخ میدهد»(سهارنپوری، خلیل احمد، بذل المجهول، فی حل سنن ابی داود، تعلیق محمد زکریا، کاندهلوی: (ص) /٣(ص) ٦) از مجموعه این احادیث اصل مشروعیت زیارت روشن می گردد.

رسول الله می فرماید:«مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ السَّلَامَ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي»؛ (ابن قلویه، کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی:٢٠/١) رسول خدا (ص) فرمودند:«کسی که بعد از حیاتم قبر من را زیارت کند مانند کسی است که در زمان حیاتم بطرف من هجرت کرده و به زیارتم آمده باشد، بنا بر این اگر نتوانستید به زیارتم آئید از همان مکان دور سلام فرستید که به من خواهد رسید.

اگر به این حدیث به دقت نگاه کنیم دو نکته قابل استفاده است:

الف) این روایت براستحباب زیارت قبر رسول خدا (ص) دلالت دارد؛ زیرا دراین روایات فضیلت و برکات زیاد برای زیارت قبر پیامبر ذکر شده و تفاوت میان ساکنان سایر شهر ها و شهر مدینه قائل نشده اند.

ب) اگرچه بسیاری از اندیشمندان در سند این روایت خدشه کرده و آن را ضعیف می دانند، دیگری از علماء اسناد این احادیث را صحیح دانسته و از کتاب سنن صحاح از ابن عمر نقل نموده اند که ابن سکن روایت ابن عمر را صحیح دانسته است. هم چنین عبدالحقّ در کتاب الأحکام و شیخ تقی الدین سبکی، در کتاب «شفاء السقام فی زیارة خیرالأنام» سند این روایات را صحیح دانسته اند.(تلخیص الخبر:(ع)/٤١(ع)) از طرف دیگر بسیاری از علمای اهل تسنن ؛ به این روایات استدلال نموده اند؛ ازاستدلال علماء فهمیده می شود که ضعف سندی روایات، به اندازه نمی باشد که از اعتبار آن ساقط شود. از طرف دیگر قاعده تسامح در ادله سنن، ضعف سند را جبران می کند.

۳- سیره پیامبر اکرم(ص) و بزرگان دین

روایات زیاددرباره سیره پیامبرو دیگر پیشوایان و بزرگان دین در التزام به زیارت در منابع روایی دیوبندیه نقل شده است، پیامبر (ص) به زیارت قبور شهدای احد می رفت وهم چنین برای زیارت قبور مؤمنان، به قبرستان بقیع می رفت به آنها سلام می داد و می فرمود:

«السلام علیکم یا اهل المقابرالیهن لکم ما اصبحتم فیه بما اصبح الناس فیه، اقبلت الفتن کقطع الیل المظلم، یتبع آخرها اولها، والاخرت شرمن الاولی؛ وبشرهم قاعلا:انابکم للاحقون»؛ درود برشما ای اهل مقابر، برشما گوارا باد حالتی را که درآن صبح می کنید در مقایسه با آنچه مردم صبح می کنند، فتنه ها یکی به دنبال هم همانند تاریکی شب رو آورده است و آخرین آنها بدتراز اول آنهاست. به آنها بشارت داد که ما هم حتما به شما ملحق خواهیم شد.(مبارکفوری، صفی الرحمن، وانک لعلی خلق عظیم الرسول محمد (ص): ۱/ ۳۰٤)

براساس این بیان، پیامبر نه تنهابه زیارت قبور شهدا و دیگر مؤمنان می رفت، بلکه هنگام زیارت به آنها سلام می کرد، از مشکلات فعلی وآینده مسلمانان با آنان سخن می گفت و از نزدیک بودن ملحق شدن خود به آنها خبر می داد. در تفسیر واژه «صلّی»که در این حدیث آمده است، محمدتقی عثمانی گفته است:«مراد از این صلاة نماز است نه دعا، زیرا پیامبرهرساله سرقبر شهدای احد می رفت و دعا می خواند و اگرمراد از صلاة در این حدیث نیز دعا باشد، دلیلی برنام بردن خصوص آن نیست»،(عثمانی،محمد تقی،تکملة فتح الملهم:٤٤١/٤).

محمد زکریاکاندهلوی این حدیث را ازعایشه این گونه نقل می کند:

پیامبر شبی برخاست، لباسش راپوشید سپس از خانه خارج شد. به کنیزم بریره دستور دادم که پیامبر را تعقیب کند. اوپس ازتعقیب متوجه شد که پیامبربه بقیع رفت و نزدیک بقیع مدت طولانی ایستاد، سپس برگشت. بریره زودترآمد وبه من قضیه را خبر داد. من تا صبح هیچ چیزی درآن خصوص به پیامبرنگفتم. وقتی صبح شد قضیه را مطرح کردم، آن حضرت فرمود:من برای اهل بقیع برانگیخته شده ام تا برای آنها دعا؛ نماز بخوانم:«إنی بعثت الی اهل البقیع لاصلی علیهم». (کاندهلوی،محمد زکریا، اوجزالمسالک: ٦٣/٤(ص) - ٦٤٠)

کاندهلوی بیان می کند که مراد از«صلی» دراین حدیث دعاست یا نماز؛ این پرسش را مطرح می کند«آیا رفتارپیامبر مربوط به قضیه خارجی و مورد خاص است تا قابل سرایت به غیر آن نباشد، یا قضیه حقیقیه را بیان میکند و مورد مخصص نیست؟»وی در پاسخ، ازمحمد الیاس

کاندهلوی چنین نقل می کند:

از تعلیل پیامبر به دست می آید مرادش از صلاة، حقیقتاً نماز بوده است که صرفاً برای مدفونین بقیع در آن زمان این کار انجام می شده است و حمل آن بر دعا روشن نیست، ولی احتمال دارد که حدیث شامل تمامی کسانی شود که تا قیامت در بقیع دفع می شوند. این احتمال ترجیح دارد، زیرا اصل درقضایا حقیقیه بودن است نه خارجیه بودن. خارجیه منحصر شدن محمول تنها بر افراد موضوع است که درخارج وجود دارندو معنای حقیقه ثبوت آن برای افراد موجود و همچنین افرادی است که در آینده وجود می آیند.(همان،٦٤٣)

روایات بسیاری درباره سیره پیامبر و دیگر پیشوایان و بزرگان دین در التزام به زیارت نقل شده در منابع تاریخی و حدیثی موجود است، به همین جهت است که مسلمانان از صدر اسلام تا اکنون به تکریم اولیاء همت می گماشت و مرقد منور آنان را زیارت می نمود.

۴- قطعی بودن حیات برزخی

اعتقاد به حیات برزخی مورد قبول عامه مسلمانان اعم از شیعه و سنی بوده است و مخصوصا حیات پیامبر اکرم (ص) که در این زمینه به آیات مختلفی از قرآن استناد شده است؛ در مباحث گذشته به آن پرداخته شده است.

علمایی دیوبندیه، از جمله ظفر احمد عثمانی، با استناد به احادیث نبوی به این مضمون که پیامبر پس از رحلت می‌تواند سلام زائران را بشنود وبه آنهاپاسخ دهد، می گوید«شکی درحیات پیامبر پس از رحلت نیست؛ سایرپیامبران نیز در عالم قبرحیات کامل تر از شهدا دارندکه خداوند از حیات آنهادر کتاب عزیزش خبر داده است. پیامبر فرمود، علم من پس از وفات همانند علم من در حال حیات است»(ظفراحمد، عثمانی، اعلاء السنن،تحقیق محمد تقی عثمانی:۱۰/ ۵۰۵).

ازنظر دیوبندیان، حیات برزخی اختصاص به پیامبران ندارد، بلکه تمام اموات درعالم قبر زنده‌اند، صدای مردم را می‌شنوند که اصطلاحاً از آن به«سماع موتی»تعبیر می‌شود و به ندای آن‌ها پاسخ می‌دهند.(مکی، حاج امدادالله مهاجر، شرح فیصله، هفت مسئله:/۳۰؛گنگوهی فتاوی، رشدیه/٢٤(ص)).

ادله و شواهد فراوانی درباره حیات اموات و رسیدن ثواب به آن‌ها وجود دارد که برمبنای آن‌ها

زیارت حرم نبوی و اهل قبور و فرستادن ثواب به آنهاجایز است.(خوشبو، محمدحسن و الاعقیده،:/ (ص) ۳-۱۰۰) اگر چه نظریه مخالف در این زمینه وجود دارد که در مباحث گذشته به آن پاسخ داده شده است.

۵- قطعی بودن سماع موتی

سماع موتی، از دیدگاه علماء دیوبندیه، دررابطه به پیامبر اکرم (ص) قطعی می باشد، هیچ اختلاف نیست.)گنگوهی، رشید احمد، فتاوی الرشیدیة، ۲۵۲ و صفدر، محمدسرفراز خان، خزائن السنن: ۳۸۵.(اختلافات سماع موتی در باره غیر پیامبران می باشد(همان).محمد عاشق الهی میرتهی، درکتاب تذکرة الخلیل (الهی میرتهی، محمد عاشق، تذکرة الخلیل:۲۰٦) قائل است که انبیاء، در قبورشان حیات دارند، سلام زائر را می‌شنوند هیچ چیزی مانع از شیندن نمی شود، علماء مسلمان بر این مسئله اجماع دارند. رفتن به زیارت حرم پیشوایان دین و دیگر اهل قبور، توسل به پیامبران و اولیای الهی پس از رحلت آنان و درخواست شفاعت ازآنان، بیشتر به اعتقاد به حیات برزخی معنا می یابد وبا نقی حیات برزخی سخن گفتن با اموات بی معنا خواهد بود.

۶- جواب دادن پیامبر از سلام زوارحرم

ازنظردیوبندیان، دراصل اینکه پیامبر پس از رحلت می تواندصدای مردم را بشنود، تردیدی نیست، تنها مسئله مبهم این است که آیا سلام از راه دوربا سلام از کنار حرم نبوی تفاوتی می کندیانه؟

براساس بیانی دیگر، شنیده شدن صدای مردم از راه دورنیز، مستقیماتوسط پیامبر امکان پذیراست، زیرا در احادیث نبوی آمده است: «هیچ کس بر من سلام نمی‌کند جز آنکه خداوند سلام اورا برمن رسانده ومن پاسخ اورا می دهم» (ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن: ۴۱/۵(ع)) به گفته ظفراحمدعثمانی، نه تنها پیامبر بلکه شهدا و تمام مؤمنان نیز وقتی مسلمانانی به زیارت قبور آنها برود و برآنها سلام کند زائرخود را می شناسد و جواب سلام او را می دهند. وقتی احاد مومنان چنین درجه ای دارند سیدالمرسلین به طریق اُولی این ویژگی را داراست در آثار صحابه نیز تصریح شده است که پیامبر سلام زائرش را می شنود برخی تاکید می کنندکه هرچندخداوند

درود و سلام مردم را از راهای دور توسط فرشتگان به گنبد سبز پیامبر و به آن حضرت مـی رسـاند ادب اقتضا می‌کند که فقط به سلام ازراه دور اکتفا نکنـیم، بلکـه بـار سـفر ببنـدیم و ازنزدیـک بـه زیارت آن حضرت مشرف شویم؛ آن حضـرت نیـز از مهمانـان خـاص خـود مسـتقیما پـذیرایی می‌کند.(خوشبو، محمدحسن و الاعقیده: ۸۱-(ص) ۲).

۷- التزام عملی دیوبندیان به زیارت

بزرگان دیوبندیه درعمل التزام خاصی به زیارت حرم نبوی و بزرگان خود داشته اند، درباره علماء و مشایخ دیوبندیه نقل شده است که نزد قبرپیامبر (ص) و قبور بزرگان خودشان مراقبت های طولانی می کردند.(الرحمن،سید طالب، الدیوبندیـه تعریفهـا و عقائـدها :۱۳۱-۱۳(ع))

حسین احمد مدنی پس از نقـل دیـدگاه و هابیـت درنهـی از زیـارت، نوشـته اسـت: «بزرگـان دیوبندیه از هرجهت، با ایـن طایفـه باغیـه مخالفـت نمـوده و پیوسـته بـرای زیـارت آن حضـرت مسافرت کنند، زیرا می ترسند که مصداق حدیث «من حج ولم یزرنی فقد جفـانی» (مدنی،سـید حسین احمد، الشهاب الثاقب فی الرد علی المستشرق الکاذب: ۲۲۵) قرار بگیرند و بـه حـدیث «من رزانی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی» عمل نکرده باشند» (همان).

محمدزکریا کاندهلوی وقتی به سفرحج می رفت ساعت ها کنار قبر می نشسـت ودعـا و ذکـر می خواند. حتی در ایام پیری با وجود کهولت سن و بیماری، به این کار ادامـه مـی داد وآرزو مـی کرد کاش در چنین حالتی از دنیا برود.(کاندهلوی، محمـد زکریـا، اوجـزء المسـالک الـی موطـأ مالک: ٤١/١).

دیوبندیان به آرامگاه های مشایخ صوفیه، بزرگان و شهدا نیـز احتـرام بسـیاری مـی گذارنـد وبـا استناد به حدیث«قبر روضه ای از رضوان های بهشت است»، مـدعی اندکـه از قبـور بسـیاری از بزرگان وشهدا، صدای قرآن شنیده می شـود و بـوی خـوش بـه مشـام مـی رسد.(خوشـبو،محمد حسن، والاعقیده: ۱۱(ع)- ۱۱۸)

برخی بزرگان دیوبندیه کنار قبور مشایخ صـوفیه، مراقبـه و تجهـد مـی کردنـد، ازجملـه روزی سهارنپوری به زیارت قبرخواجه اجمیری، یکی ازمشایخ طریقت تصـوف شـبه قـاره رفـت. مـردم مشغول زیارت، طواف وسجده برقبر بودند. سهارنپوری روبه روی قبـر نشسـت وغـرق در مراقبـه

بود، درحالی که مردم از نشستن اودرانجام ناراحت بودند و نزدیک بود به دلیل رفتار سهانپوری فتنه ای به وجود بیاید، ولی کسی جرعت نمی کرد به ایشان نزدیک شود. وقتی سهارنپوری بلند شد و متوجه ناراحتی مردم شد، گفت:چرا به من خبر ندادید؟من اصلا متوجه قضیه نبودم.(میرتهی، عاشق الهی، تذکرة الخلیل: ۳(ع)۱- ۳(ع)۲.)

صدها آرامگاه مربوط به بزرگان صوفیه در مناطق گوناگون شبه قاره وجود دارد و مزار آنها به صورت مرکزی برای دعا و عبادت مردم درآمده است، به گونه ای که روزانه صدها نفر از نقاط مختلف کشور به این آرامگاه ها می آیند و در اعیاد مذهبی، آمار آنها حتی به صدها هزارنفر نیز می رسد، حتی بسیاری از مقامات دولتی نیز در جمع آنها حضور می یابند،(زیبا فرزین نیا، بنگلادیش: ٤(ص) - ٤٨).

۸- اجماع

بسیاری از علمای دیوبندیه بر جواز و استحباب زیارت قبور و زیارت رسول خدا (ص) اجماع و اتفاق نظر دارند که ما به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

سمهودی می نویسد: فقها و علمای حنفی گفته اند: زیارت قبر پیغمبر (ص) از با فضیلت ترین مستحبات بلکه به درجه واجب نزدیک است و همچنین مالکیّه و حنابله هم بر این مطلب تصریح نموده اند و سبکی در کتابی که درباره زیارت دارد نقل های آنها را توضیح داده؛ ولی بعد از آن که اجماع بر آن هست حاجتی به بررسی و تتبّع آنها نیست. (سمهودی، وفاءالوفا: /۱۳٦٦) سمهودی در ادامه از عیاض نقل کرده، گفته است: «زیارة قبره (ص) سنّته بین المسلمین مجمع علیها و فضیلة مرغب فیها»(همان: ۱۳٦۲).زیارت قبر پیامبر (ص) بین مسلمان ها سنت و بر آن اجماع هست و دارای فضیلتی است که به آن ترغیب شده است.

در مسند ابی حنیفه در پاورقی حدیث زیارة قبر نبی (ص) از فاضل لهنوی در شرح موطّا می نویسد: «به درستی که علما اتفاق دارند بر این که زیارت قبر پیغمبر (ص) از بزرگترین اعمال مستحب و افضل مشروعات است و کسی که در مشروعیت آن نزاع کند گمراه و گمراه کننده است» (ابی حنیفه حاشیه حدیث زیارة قبر النّبی: ۲۰۱).

درکتاب، الفقه علی المذاهب الأربعة که موارد اتفاقی علمای مذاهب اربعه را نقل می نماید می گوید: «زیارة قبر پیامبر (ص) افضل المندوبات و ورد فیها احادیث.» (جزیری عبدالرحمن،

الفقه علی المذاهب الأربعه: ۵/۲ (ص) ۰).قسطلانی ادعای اجماع نموده است، زیارت پیامبر اکرم (ص) برای مرد و زن استحباب دارد.

قاضی سبکی می گوید: «بدان که علما بر استحباب زیارت قبور اجماع کرده اند، بلکه برخی از ظاهریه قائل به وجوب آن به جهت حدیث مذکور شده اند؛ و از جمله کسانی که اجماع مسلمانان بر استحباب را حکایت کرده، ابوزکریای نووی است».

عثمانی یکی از علمایی دیوبندیه، می گوید:«زیارت قبر پیامبر به اجماع تمامی مسلمانان مستحب است و از فضلیت های مورد رغبت مسلمانان است» سپس می افزاید «به اجماع علما، زیارت قبوربرای مردان مستحب است، اما نسبت به زن ها اختلاف است، ولی زیارت قبر شریف پیامبر به ادله خاصه خارج شده است و در استحباب زیارت قبرآن حضرت فرقی میان زن و مرد نیست».(ظفر احمد، عثمانی، اعلاء السنن،تحقیق محمد تقی عثمانی: ۱۰/ ۵۱۱) درادامه بیان نموده است که: «آداب تمامی مسلمانان با تمامی اختلاف مذاهب و سلایقی که داشته اند، درطول تاریخ این بوده است که هرگاه به سفرحج می آمدند به قصد زیارت پیامبر به مدینه نیزمشرف شده و آن را ازبهترین اعمال می دانستند و ازآنجاکه از هیچ یک ازآنان مخالفتی دراین زمینه نقل نشده است، اجماع تمامی مسلمانان دراین زمینه بدست می آید» (همان: ٤(ص) ٨ و ٤(ص) (ص)).

خلیل احمد سهارنپوری که از علمای دارالعلوم دیوبند محسوب می گردد در کتاب «المهند علی المفند» در ذیل سوال اوّل و دوّم این کتاب رویکرد علمای دیوبند و مشایخ آنان را بیان کرده و می گوید:

«عندنا وعند مشایخنا ... زیارةُ قبر سید المرسلین (روحي فداه) من أعظم القربات، وأهم المثوبات، وأنجح لنیل الدرجات، بل قریبة من الواجبات، وإن کان حصوله بشدّ الرحال، وبذل المهج والأموال»؛نزد ما و نزد مشایخ ما زیارت قبر سید المرسلین از اعظم موجبات قرب الهی و از مهمترین مستحبّات و برای رسیدن به درجات عالیه است بلکه این عمل قریب به وجوب است؛ اگر چه حصول این عمل با بستن بار سفر و خرج کردن اموال و تلاش زیادی توأم باشد. »،(سهارنپوري،خلیل احمد،مباحث في عقائد أهل السنة المسمی بالمهند علی المفند:٤٦-٤٥).

بنابراین بخش گسترده ای از میراث دینی و اسلامی ما مسلمانان برخاسته از محور زیارت است. روایت های فراوانی¬که از اهمیت، آداب، پاداش و دستاوردهای زیارت سخن گفته اند تا

زیارت نامه های بسیار برجای مانده و نوشته های عالمان بزرگ اسلامی و شیعی، همه حکایت از اتفاق بر این موضوع دارند. هم چنین علمای اهل تسنن و جریان دیوبندیه بر اجماع و اتفاق آن تصریح نموده اند.

۹- سفر برای زیارت

مسئله زیارت و سفر به قصد زیارت قبور پیامبران، ائمه اطهار (علیهم السلام)، صالحان و مؤمنان، از جمله موضوعاتی است که همواره مورد قبول مذاهب و فرق اسلامی، به ویژه امامیه، بوده است و مشروعیت آن طبق آیات قرآن، روایات، سیره پیامبر و اصحاب ایشان، مسلّم می باشد؛ و زیارت قبر نبی اکرم (ص) از جمله اعمالی است که اکثر قریب به اتفاق علمای اسلام بر فضیلت آن تأکید دارند،(شوکانی، محمّد بن علی، نیل الأوطار: ۱۱۳/۵) آن را از بهترین وسائل قرب الهی و کارگشاترین عمل برای برآورده شدن حوائج میدانند (نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب: ۸/ ۲(ع)۲) حتّی بسیاری از علمای احناف زیارت قبر حضرت را، برای کسی که استطاعت زیارت داشته باشد قریب به وجوب میدانند.(محمّد بن عبد الواحد بن لهمام، فتح القدیر: ۳/ ۱(ع)(ص)) لذا مسلمانان از گذشته های دور برای رسیدن به این فضیلت، به نیت زیارت قبر پیامبر (ص) بار سفر میبستند(کشمیری، محمّد انور شاه، فیض الباری علی صحیح البخاری: ۲/ ۵۸(ص)) این مسئله تا حدود قرن هفتم هیچ مخالفی نداشت(محمّد بن احمد بن عبد الهادی، العقود الدریة من مناقب شیخ الاسلام أحمد بن تیمیة: ۳٤۳).

خلیل احمد سهارنپوری که از علمای دارالعلوم دیوبند در کتاب «المهند علی المفند» رویکرد علمای دیوبند و مشایخ آنان را بیان کرده و می گوید: «نزد ما و نزد مشایخ ما زیارت قبر سید المرسلین از اعظم موجبات قرب الهی و از مهمترین مستحبّات و برای رسیدن به درجات عالیه است بلکه این عمل قریب به وجوب است؛ اگر چه حصول این عمل با بستن بار سفر و خرج کردن اموال و تلاش زیادی توأم باشد»؛(خلیل أحمد سهارنپوري،مباحث في عقائد أهل السنة المسمی بالمهند علی المفند، تحقیق: محمد بن آدم الکوثري: ٤٦-٤٥).

در ادامه بیان می‌کند که: «در موقع مسافرت نیّت زیارت آن حضرت (ص) را بکند و در ضمن نیّت زیارت مسجد آن حضرت را و هم چنین نیّت زیارت سایر اماکن متركه و مشاهد شریفه را

نیز بکند» (همان).

بنابراین مي توان گفت، سفربه قصد زیارت مرقد منور رسول اکرم (ص) مثل سفر برای دیدار و حضور در حال و زمان حیات آن حضرت است. از همه اینها گذشته طبق روایات که در منابع تشیع و تسنن وجود دارد، رسول اکرم (ص) برای زیارت قبرهای شهدای احد بدانجا سفر نموده است، در منابع تاریخی وجود دارد برخی از صحابه برای زیارت قبرها به مسافرت پرداخته اند حتی دیگران به مسافرت به زیارت مرقد منور و بارگاه ملکوتی پیامبر اعظم دعوت کرده اند. اینها همه شواهد است که مسافرت برای زیارت مرقد ها و قبور اجازه داده شده است. سیره پیامبر گرامی اسلام و صحابه و تابعین مسلمانان از عهد رسول اکرم تا اکنون ساری و جاری بوده است.

پاسخ به اشکال مسافرت برای زیارت قبور

دیوبندیان ضمن استدلال برمشروعیت زیارت، پاسخ های فراوانی نیز بر ادله مخالفان زیارت دارند ودر مجموع هیچ یک از ادله ای راکه بر نفی مشروعیت زیارت بیان شده است، نمی پذیرند. از جمله روایات که زمینه اشکال تراشی وهابیان را نسبت به امت اسلامی ایجاد نموده است، روایت شد رحال است که در کتب حدیثی اهل سنت با دو نقل متفاوت بیان شده است.

نقل اول روایت: «لا تَشُدُّو الرحالَ إلّا إلی ثَلاثَةِ مَساجِدَ: مَسجِدی هذا وَ مَسجدِالحرامِ وَ مَسجدِ الأقْصی».(صحیح مسلم: ٤/ ١٢٦)

و نقل دوم روایت: «إنَما یُسافَرُ إلی ثلاثَةِ مساجِدَ: مسجدِ الکعبةِ و مسجدی و مسجدِ ایلمیا»(همان).

مخالفان به ظاهر این عبارات استناد جسته و بر آن رفته است که سفرهای عبادی، تنها به سه جا روا است و زیارت قبر پیامبر (ص) در شمار آنها نیست و بدین روی نه تنها زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب نیست، بلکه مشروعیّت نیز ندارد؛ زیرا در نهی همان حضرت وارد است.

مسلمانان، قرن ها بر استحباب زیارت قبور مؤمنین، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان دینی خویش اتّفاق نظر داشته و بلکه بر استحباب زیارت قبور اجماع کرده اند. در این میان فقط یک عده ای مخالفین زیارت قبور و سفر برای آن را شرک پنداشته اند و سفر به چنین نیتی را سفر معصیت می دانند در حالی که این استدلال به دلیل این که بر مبنای فهم غلط نهاده شده، مردود است، زیرا:

۱ ـ مستثنی منه در حدیث «لا تشدالرحال...»مربوط به مساجد دیگر است، نه هرمکان یا هرکاردیگر، وگرنه سفربرای علم، تجارت، جهاد وغیره نیز نباید جایز باشد؛(کشمیری، محمد

انور شاه، معارف السن، گرد آوری محمد یوسف بنوری: ۳۲/۳(ص) -۳۳۳)

۲ ـ موردمنع درحدیث مذکورمربوط به سفر زیارت مکان های خاصی غیراز مساجد سه گانه، یعنی مردم تنها اجازه دارند به خاطر قداست خاص مساجد سه گانه فوق به سفرزیارت آنها بروند و نمی توانند برای مکان دیگر غیراز آنها قداست ویژه قایل شده و برای زیارت آن بار سفر ببندید»، درحالی که«درسفر زیارت هدف رفتن به مکان خاصی نیست، بلکه مقصود زیارت فرد ویا افرادی است که درآن مکان دفن شده اند. ازاین روسفربرای زیارت حرم پیامبران و اولیای الهی تخصصا ازموضوع روایت خارج است»؛(نانوتوی، محمد قاسم، جمال قاسمی: ۳۳).

۳ ـ دلیل اصلی استثنای این سه مسجدبه دلیل فضلیت خاص آنهاست، البته مسجدی که درآنها زیارتگاهی قرار دارد، افزون برفضلیت مسجدازفضایل خاصی نیز بهره مندند. بنابراین مسجدالنبی به خاطر وجودبقعه شریفه درآن، فضلیت بیشتری نسبت به تمامی مکان های دیگر، حتی نسبت به کعبه و عرش و کرسی دارد. پس وقتی سه مسجد مذکور به خاطر فضایل خاصی که دارند، ازدیگرمساجد استثناشده باشند، به طریق اولی بقعه شریفه پیامبر که افضل ازتمامی مکان ها هستند، باید استثنا گردد،(سهارنپوری،خلیل احمد،المهند علی المفند: ۳٤-۳۵).

از جمله احادیثی که موید مفهوم صحیح این حدیث می باشد، روایتی از عایشه است که می گوید پیامبر (ص) فرمود:«أنا خاتم الأنبياء ومسجدی خاتم مساجد الأنبياء، أحق المساجد أن يزار و تشدّ إليه الرواحل: المسجدالحرام و مسجدی، صلاة فی مسجدی أفضل من ألف صلاة فيما سواه من المساجد إلا المسجد الحرام»؛(هیثمی،مجمع الزوائد: ٤/ ۳). سخن پیامبر (ص) در مورد مساجد برای امت روشن می سازد که سایر مساجد غیر از این سه مسجد در فضیلت برابر هستند بنابراین سختی کشیدن در سفر به آن مساجد فایده ای ندارد، اما این مساجد دارای فضیلت هستند.

شبیراحمدعثمانی با نقل اینکه پیامبر هرشنبه سواره و پیاده به زیارت مسجد قبا می رفت،(عثمانی، شبیراحمد، فتح الملهم، شرح صحیح المسلم: ٤٨/٦(ص)) تفسیر روایت شدّرحال را به حرام بودن سفر به غیر از آن مساجد، اشتباه می داند و می گوید«تفسیر صحیح حدیث فوق نزد اصحاب ما و همچنین مختار امام الحرمین و محققین این است که چنین عملی هیچ گونه حرمت و کراهتی ندارد. دلالت حدیث فوق تنهادر این حد است که سفربه سوی آن سه مسجد ازفضلیت بیشتری برخوردار است».(همان: ۵۳(ص))

کشمیری اجماع علمای حنفی، مالکی و حنبلی درباره جواز سفر و استحباب زیارت قبرنبی

(ص) را بیان می کند. بنابراین ازنظرعلمای دیوبندیه حدیث «لا تشدالرحال»از موضوع این بحث خارج است و ربطی به منع سفربرای زیارت ندارد. (کشمری، محمد انور شاه، معارف السنن، گرد آوری محمد یوسف، بنوری: ۳/ ۳۲(ص) -۳۳۳)

حکم زیارت قبرها توسّط زنان

دیوبندیان بر صحیح بودن تمام روایات مربوط به جواز زیارت و اجماعی دانستن استحباب و مشروعیت زیارت، تأکید می کنند، اما در شمول آن نسبت به زنها تردید دارند.(همان: ۳/ ۲۰۹ ـ ۲۰۸)

محمد ادریس کاندهلوی با نقل حدیث نبوی «نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها» نوشته است: «به اجماع علما، زیارت قبور از سنت است، تنها بحث در این است که آیا زنها می توانند به زیارت بروند یا نه که بیشتر آنها قایل به کراهت شده اند»،(کاندهلوی، محمد ادریس، التعلیق المبیع علی مشکاة المصابیح: ۲۷۱/۲).

به اعتقاد سهارنپوری کراهت زیارت زنها بیشتر برای این است که آنها به دلیل رقت قلب، تحملشان در برابر مصیبت ها کمتر است، به همین دلیل وقتی به زیارت قبور می روند، صبرشان را از دست می دهند و ناله و فریاد می کنند که با فلسفه زیارت قبور که تذکر و یادآوری است، منافات دارد.(سهارنپوری، خلیل احمد، بذل المجهود في حل سنن أبي داود، تعلیق محمد زکریا کاندهلوی: ١٤/ ٢٠٤ ـ ٢٠٥) بنابراین حضور مردان و همین طور زنان صبور، اشکالی ندارد، چنان که عایشه از پیامبر پرسید: «چگونه اهل قبور را زیارت کنم؟»

حضرت فرمود: بگو: السلام علی أهل الدیار، من المؤمنین والمسلمین، ویرحم الله المستقدمین والمستأخرین، وإنا إن شاء الله بکم للاحقون؛ «درود بر اهل این دیار، از مؤمنان و مسلمانان، خداوند گذشتگان و آیندگان را بیامرزد و ما ان شاء الله به شما حتما ملحق می شویم».

سهارنپوری این روایت را دلیل جواز زیارت زنها می داند (همان:۲۰۵) شاه ولی الله نیز به تمام زائران سفارش کرده است که اهل قبور را به همین صورت زیارت کنند.(دهلوی، شاه ولی الله، حجة الله البالغة،دار التراث، قاهره: ۳۸/۲) شاه عبدالعزیز، افزون بر آن سفارش می کند که سوره حمد را یک مرتبه و سوره توحید و قدر را سه مرتبه هنگام زیارت قبور بخوانند (دهلوی، شاه عبد العزیز فتاوی عزیزی: ۲۰۵).

تهانوی نیز این روایت را ضمن روایاتی که بر جواز زیارت به طور مطلق دلالت دارد، آورده

است. ولی ظفر احمد عثمانی دیدگاه تهانوی را نادرست دانسته و گفته است: «آموزش چگـونگی زیارت قبور برای زنان به معنای جواز زیارت توسط آنها نیست، بلکه تنها این معنا را می رساند کـه اگر احیانا از کنار قبر و یا قبرستانی گذشتند آن گونه به اهل قبـور سـلام بدهنـد».(عثمـانی، ظفـر احمد، إعلاء السنن :۸/ ۳۳۳ ـ ۳۳۲) حرکت به قصد زیارت قبور، برای زن هـا صـحیح نیسـت، ولی زیارت اتفاقی اشکالی ندارد.

کشمیری در تفسیر حدیث «لعن رسـول اللـه لا زائـرات القبـور والمتخـذین علیهـا المسـاجد والسُرج»، لعن در حدیث را منحصر به زیارت قبور توسط زنها می داند، ولی می گوید: «روایتـی داریم که پیامبرت: پس از منع، زیارت قبور را اجازه داده است و این اجازه همانند سایر احکام عام بوده و شامل زنها نیز می شود، ولی در جمع بندی احادیث گفتـه اسـت: «اگـر زنهـا جـزع و نالـه کنند، زیارت آنها ممنوع است، وگرنه اشکالی ندارد»،(کشمیری، انـور شـاه، العـرف الشـذي: ۱/ ۲۲۲) از نظر محمد زکریا کاندهلوی، احادیث مربوط به تشویق به زیارت قبور فراوان است، ولی در اطلاق و تقیید آنها نسبت به زنهاو

همچنین میزان زیارت، بحث و اختلاف وجود دارد؛ بیشتر علما آنها را مطلق ا دانسـته انـد، بـا این قید که برای زنان به دور از فتنه باشد. درباره میزان زیارت نیز برخی گفته اند زیارت قبـور بـرای مردان مطلقا جایز است. عده ای دیگر با توجه به احادیث دیگر آن را مکروه دانسته اند. ابـن حـزم معتقد است: «حداقل یک بار در عمر برای افراد زیارت قبور واجب اسـت، زیـرا دسـتور صـریح دارد». در شرح کبیر از فروع مالکیه آمده است: «زیارت قبور جایز و بلکه مستحب اسـت، بـدون محدود بودن به روز، یا زمان و یا مقدار خاص از ماندن کنار قبـور»،(کانـدهلوی، محمـد زکریـا، أوجز المسالك إلى موطأ مالک: ٤/ ١٤٣).

نتیجه گیری

باتوجه به ادله قرآنی و روایی و هم چنین سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهـار (ع) سـیره عملـی مسلمانان، هم چنین ازنظر علمای دیوبند زیارت رایج هیچ اشکالی ندارد و رفتار صحابه و بزرگان دین نیز در التزام به زیارت حرم پیامبر (ص) و قبور دیگر بزرگان دین، دلیلی روشن بـر مشـروعیت آن است. برای اثبات مشروعیت و استحباب زیارت به مبانی از آیات قرآن کریـم؛ روایـات نبـوی؛ سیره عملی پیشوایان و بزرگان دین، واستدلال از راه اثبات حیات برزخـی و امکـان سـماع مـوتی؛ جواب دادن پیامبر (ص) از سلام زائر و التزام عملی دیوبندیان و اجماع علماء استناد شـده اسـت. منشأهای اختلاف دیدگاه درباره زیارت قبور، روایاتی است از طریق گونـاگون در منـابع اسـلامی وجود دارد از بررسی آن به این نتیجه می رسیم که استحباب زیارت قبور برای مرد و زن مورد توجه پیشوایان دین قرار داشته است.

کتابنامه

ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، دار الاحیاء التراث العربی، قاهره ۱۳۸۸ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **فتح الباری شرح صحیح البخاری**، بیروت: دار المعرفة، ۱۳(ع)(ص) ق.

ابن قولویه،**کامل الزیارات**، نجف، ناشر: مرتضوی، اول،۱۳۵٦ ه ق.

ابن منظور محمّد بن مکرم، **لسان العرب**، قم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م.

ابی اسامه، سید طالب، الرحمن، **الدیوبندیة تعریفها و عقیدتها**، ریاض: دار الصمیعی، چاپ اول، ۱٤۱(ص) ق.

تهانوی، اشرف علی، **الرد علی الاعتراض علی السفر لزیارة قبر النبی (ص) الداعی**، سال سی و یکم، شماره (ع)، رجب ۱٤۲۸. ق.

جزیری، عبدالرحمن، **الفقه علی المذاهب الأربعه**،بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴هـ-۲۰۰۴م.

حسن، محمد، **خوشبو و الاعقیده یعنی عقیده حیات النبی** (صلی الله علیه و آله و سلم) چاپ اول: مکتبة الشهباز، هند، ۱٤۳۱ ق. / ۲۰۱۰ م.

خلیل أحمد سهارنپوري، ، **مباحث في عقائد أهل السنة المسمی بالمهند علی المفند**، تحقیق: محمد بن آدم الکوثري، **دار الفتح للدراسات والنشر**، چاپ اوّل، ۱٤۲۵ ق، ص ٤٦-٤٥.

دهلوی، أحمد بن عبدالرحیم، **حجّة الله البالغة**، تحقیق: سید سابق، چاپ اول، بیروت:دارالجمیل، ۱٤۲٦.

دهلوی، عبد الحق، **الاعمال المأثورة فی الایام المشهورة**، مجتبایی، دهلی، [بی‌تا]

راغب اصفهانی، محمّدبن حسین. (۱۳۸۳). **مفردات الفاظ قرآن**. ترجمة سیّد غلامرضا حسینی.

چاپ سوم. تهران: انتشارات مرتضوی.
سایت باشگاه اندیشه، تاریخ نشر ۱۳۸٦/۱۱/۱٤ www.bashgah.com
سهارانپوری، خلیل احمد، ، **المهند علی المفند** یعنی عقاید علمای اهل سنت دیوبند مع تصدیقات جدیدة، مقدمه: مظهر حسین صاحب، لاهور: مکتبة مدنیة، بی‌تا.
سهارانپوری، خلیل احمد، **عقائد اهل سنت و الجماعت**، تحقیق و ترجمه: عبدالرحمن سر بازی، انتشارات علمی، چاپ اوّل، ۱۳(ع)۰ .
سهارانپوری، خلیل احمد، **بذل المجهود فی حلّ أبی داوود**، تعلیقه: کاندهلوی محمّد زکریا، بیروت: دار الکتب العلمیّة، بی تا.
شوکانی، محمّد بن علی، **نیل الأوطار**، تحقیق: عصام الدین الصبابطی، مصر: دار الحدیث، چاپ اوّل، ۱٤۱۳ق.
شیخ صدوق، ابو جعفر محمد ابن علی، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال** ، ترجمه غفاری، تهران، انتشارات صدوق ، ۱۳(ع)۳ ه.ش.
صفدر، محمد سرفراز خان، **خزائن السنن شرح جامع ترمذی**، محله جنگی پیشاور: مکتبة فاروقیة، چاپ دوم، بی‌تا.
صفدری، محمد سرفراز خان، **خزائن السنن شرح جامع ترمذی**، محله جنگی پیشاور: مکتبة فاروقیة، چاپ دوم، بی‌تا.
طریحی، فخر الدین، **مجمع البحرین**، تهران، مؤسسهٔ بعثت، ۱۴۱۶ ق.
عثمانی، شبیر احمد، **فتح الملهم بشرح صحیح مسلم**، دمشق: دار القلم، چاپ اول، ۱٤۲(ع) ق.
عثمانی، شبیر احمد، **تکملة فتح الملهم شرح صحیح مسلم**، تحقیق: محمود شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱٤۲٦ ق.
قاسمی، محمد طیب، **اندیشه دینی و شیوه عملی علمای دیوبند**، ترجمه ؛ درکانی نجم الدین محمد، کاندهلوی، زکریا، **التعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح**، دمشق: نشر الاعتدال، چاپ اوّل، بیتا.
کشمری، محمد انور شاه، **فیض الباری علی صحیح البخاری**، تحقیق: محمد بدر عالم المیرتهی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱٤۲٦.
کشمیری، محمد انور شاه، **العرف الشذی شرح سنن الترمذی**، تحقیق: محمود أحمد شاکر، بی جا: مؤسّسة ضحی للنشر والتوزیع، چاپ اوّل، بی تا.
کشمیری، محمد انورشاه، **فیض الباری علی صحیح البخاری**، تحقیق: محمد بدر عالم المیرتهی،

بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤٢٦.
کشمیری، محمد انورشاه، **معارف السنن**، گرد آوری محمد یوسف، بنوری، بی تا.
گنگوهی، رشید احمد، **فتاوی رشیدیه مبوّب بطرز جدید**، کراچی: دار الاشاعت، بی‌تا.
گیلانی، سید مناظر احسن، **سیری در زندگی حضرت امام مولانا محمد قاسم نانوتوی**، ترجمه: صلاح‌الدین شهنوازی، زاهدان: صدیقی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
مبارکفوري، أبو العلاء، محمد عبد الرحمن، **تحفة الأحوذي شرح جامع الترمذي**، الناشر: دار الکتب العلمیة ـ بیروت، چاپ اوّل، ١٤٠١هـ
محمّد بن احمد بن عبد الهادی، **العقود الدرية من مناقب شيخ الاسلام أحمد بن تيمية**، بیروت، دار الكاتب العربي –
مدنی، حسین احمد، **الشهاب الثاقب على المسترق الكاذب**، اداره تحقیقات اهل سنت لاهور، بی تا.
مسلم بن حجاج، نیشابوری، **صحیح مسلم**، دارالفکر، بیروت، لبنان، نوبت چاپ الطبعة الاولی ١٤١(ص) هـ ق، ١(ص) (ص) (ص) م.
النووی، محیی الدین بن شرف، **المجموع شرح المهذب**، دارالفکر، بیروت.
هیثمی، علی بن ابی بکر: **مجمع الزوائد**، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٠٨ق.
فراهیدی، خلیل بن احمد،**کتاب العین**، قم، هجرت، دوم، ١٤١٠ ق.